

مصاحبه در باره جمع آوری کمک مالی برای کارگران سقز

ایرانیان آزاده، سازمان ها، فعالان و اتحادیه های کارگری

همانطور که آگاه هستید، روز ۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۳ برابر با اول ماه مه ۲۰۰۴ بیش از ۴۰ نفر از شرکت کنندگان در مراسمی که قرار بود به مناسبت روز جهانی کارگر در شهر سقز برگزار گردد، دستگیر شدند. همه به استثنای آقایان محمود صالحی، برهان دیوارگر، اسماعیل خودکام، هادی تنومند، جلال حسینی، محمد عبیدیپور و محسن حکیمی آزاد شدند. به دنبال انتشار خبر دستگیری این فعالان کارگری، کانون زندانیان سیاسی ایران (در تبعید) ضمن انتشار اطلاعیه‌ای دستگیریها را محکوم کرد و خواهان آزادی آنها شد. به دنبال آن نیز به یک رشته اقدامات اعتراضی و فعالیت‌های بین‌المللی برای آزادی دستگیرشدگان دست زد. به دنبال مجموع فعالیت‌هایی که در خارج و داخل ایران صورت گرفت، بویژه بعد از اعتصاب غذای دستگیرشدگان، حکومت اسلامی ایران ناچار شد فعالان کارگری را با وثیقه‌های سنگین آزاد کند.

بعد از آنکه معلوم شد این هفت نفر به دادگاه احضار شده‌اند، هئیتی از کانون که نگارنده این مطلب هم عضو آن است به فعالیت گسترده‌ای در سطح بین‌المللی دست زد. هدف در ابتدا این بود که این فعالان کارگری محاکمه نشوند، چرا که اساساً آنها کار غیر عرفی انجام نداده و حق مسلم آنها است که مراسم‌های مربوط به خود را خود بدون دخالت حکومت و عوامل و وابستگان به آن برگزار کنند. زمانی که بر ما مسلم شد امکان توقف دادگاه سقز وجود ندارد، به فعالیت‌های خود در دفاع از آنها ادامه دادیم و بعد از تلاش‌های مستمر و گسترده بین‌المللی، موفق شدیم سه سازمان جهانی و محلی کارگری و حقوقی را برای اعزام یک هئیت بین‌المللی به ایران برای نظارت بر روند کار دادگاه فعالان کارگری در سقز کنار هم قرار دهیم. این هئیت به علت ممانعت رژیم از صدور ویزا برای اعضای آن امکان سفر به ایران را نیافت و خوشبختانه همزمان طی مکالمه تلفنی با آقای محمد شریف وکیل مدافع فعالان کارگری سقز شنیدیم که جلسات دادرسی یک ماه به تعویق افتاده است. این فعالیت‌ها اگرچه در هماهنگی با وکلای مدافع و برخی از این فعالان کارگری صورت گرفت، اما به این معنی نبود کسی یا کسانی از جمع این فعالان به طور مشخص از ما یا دیگران که کارهایی در سطوح مختلف انجام دادند خواسته باشند اقداماتی در دفاع از حقوق پایمال شده آنها انجام دهیم. خواست آنها برای جلب حمایت‌های داخلی و بین‌المللی، یک خواست عمومی بوده و ما نیز به سهم خود با توجه به توانایی‌های که داریم نقشی در آن به عهده گرفتیم. دیگران هم در سطوح دیگری فعالیت کردند. در رابطه با چنین فعالیت‌هایی، حتی اگر فرد یا افرادی که مورد اتهام هستند رسماً هم اعلام نکنند به کمک و حمایت نیاز دارند، ما که خود را مدافع حقوق مردمی می‌دانیم که حکومت اسلامی حقوقشان را نقض کرده است، بلادرنگ دست به کار می‌شویم و به یک رشته فعالیت‌ها در حمایت و دفاع از آنها دست می‌زنیم. طبیعی است که این فعالیت‌ها حتی اگر به خواست فرد یا افراد درگیر به دلایل مسائل امنیتی صورت نگرفته باشد قطعاً با استقبال آن‌ها مواجه خواهد شد. اما در این مورد بخصوص همه کارها در هماهنگی با داخل صورت گرفت و تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد همه آنها در جریان فعالیت‌های ما در ارتباط با اعزام هئیتی به ایران قرار داشته‌اند. این پرسش در اینجا مطرح است، چگونه آنها پیشاپیش قبل از آنکه کانون به طور رسمی اطلاعیه منتشر کند، در جریان اعزام هئیت به ایران بودند و از آن در مصاحبه‌های رادیویی صحبت به عمل آوردند، در حالی که هیچ کس به استثنای نگارنده و هئیت مسئول تا روزهای آخر از وجود چنین هئیتی مطلع نبود. آیا این بدان معنی نیست که انتقال این اطلاعات به آنها تنها از کانال ما میسر بوده است.

در ادامه فعالیت‌ها همان گونه که دیگران نیز در جلسات پالتاک طرح کرده‌اند و سنت هم این است که حمایت‌های همه جانبه مادی و معنوی از انسان‌های درگیر صورت گیرد، طی مصاحبه‌ای که نگارنده با رادیوی کردی زبان صدای زنان در استکهلم داشتم، در پاسخ به پرسشی که از من شد، خواهان حمایت مالی از فعالان کارگری سقز شدم. این درخواست را من نه از جانب فعالان کارگری بلکه برای کمک به آنها بر اساس سنت متداول و خواست دوستان مشترک انجام دادم. در هیچ‌جا ما اعلام نکردیم که به نمایندگی از این فعالان دست به کاری زده یا می‌زنیم. ما نمایندگی کسی جز خودمان را به عهده نمی‌گیریم و داعیه این کار را که دیگران دارند ما نداریم. در اطلاعیه‌ای که به نیابت از فعالان کارگری در تاریخ ۱۰ شهریور ۱۳۸۳ برابر با ۲۱ اوت ۲۰۰۴ انتشار یافت، از آنجا که با هدف تنویر افکار عمومی نسبت به فعالیت‌های ما در رابطه با دادگاه سقز نوشته شده، به طور عمد محتوی و مضمون صحبت‌های نگارنده را آن طور که خواستند تغییر داده‌اند، در حالی که هنوز مصاحبه را که به زبان کردی است می‌توان از سایت آشتی گوش کرد. رادیو صدای زنان روز یکشنبه ۸ شهریور ۱۳۸۳ با دعوت از نگارنده و محمود صالحی (یکی از فعالان کارگری سقز) به مصاحبه، خواستار تشریح پروسه دادگاه سقز و فعالیت‌های بین‌المللی در رابطه با آن شد.

بابک عماد

۱۱ شهریور ۱۳۸۳ برابر با ۱ سپتامبر ۲۰۰۴